

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۵

هزار و سیصد و هشتاد و سه - نیمسال اول

مقالات

- چالش‌های ورود کشورهای اسلامی به نظام حقوقی - اقتصادی بین‌المللی با تأکید بر ایران
- علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی
- تفسیر قضائی قانون اساسی در رویه دیوان عدالت اداری
- ساخت دیوار حائل در سرزمین اشغالی فلسطین: دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان حافظ صلح و امنیت بین‌المللی
- قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۴ و عملکرد شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آزمون اجرای حقوق بین‌الملل
- جنبه‌های حقوقی قراردادهای سرمایه‌گذاری بیع متقابل (Buy Back)
- حمایت از حق ثبت اختراعات در سازمان جهانی تجارت
- شیوه‌های جبران خسارت ناشی از نقض تعهد قراردادی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
- تعقیب کیفری کارگزاران عالی رتبه دولت‌ها در دادگاه‌های داخلی به اتهام ارتکاب جرائم بین‌المللی (دعوی کنکو علیه بلژیک در دیوان بین‌المللی دادگستری)

موضوع ویژه: نارسایی‌های حقوق شرکت‌های تجاری در ایران

- میزگرد راجع به ابعاد حقوقی سرمایه در شرکت‌های سهامی
- طرح پیشنهادی اصلاح ماده ۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت راجع به سرمایه اسمی شرکت
- حقوق سهامداران اقلیت در ادغام شرکت‌های تجاری
- نظارت بر عملکرد مدیران شرکت‌های سهامی عام توسط نهادهای دولتی در حقوق انگلیس و ایران
- تشریفات قانونی انتقال سهام در شرکت‌های سهامی

نقد و معرفی

- تأملی بر قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت در مورد حاکمیت لبنان و خروج نیروهای بیگانه از این کشور





http://jlr.sdil.ac.ir/article_44700.html

علنی بودن دادرسی در پروتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی

دکتر علی خالقی*

چکیده: علنی بودن دادرسی یکی از تضمینات مهم رسیدگی‌های کیفری است که در قوانین اساسی بسیاری از کشورها و اسناد بین‌المللی مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. در ایران نیز، این اصل با قرار گرفتن در قانون اساسی و از رهگذر تصویب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی توسط کشورمان از جایگاه ممتاز و ویژه‌ای برخوردار گشته است. با این حال، قانونگذار ایرانی گاه به مقتضیات این اصل چندان پای‌بند نبوده، قلمرو اجرای آن را محدود ساخته است. آشنایی با مفاد و محتوای این اصل و موارد نقض آن در حقوق ایران موضوع مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: آئین دادرسی کیفری، علنی بودن، اسناد بین‌المللی، حقوق داخلی، متهم، محاکمه.

مقدمه

در رسیدگی‌های کیفری، متهم از حقوقی برخوردار است که رعایت آنها واکنش جامعه زیان دیده از جرم را در برابر او تعدیل می‌کند. آئین دادرسی کیفری به عنوان پل ارتباطی میان جرم و مجازات به تنظیم این واکنش از زمان ارتکاب جرم تا اعمال کیفر می‌پردازد و هنر قانونگذار در وضع یک آئین دادرسی خوب و مناسب در ایجاد تعادل میان دو هدف اصلی این مقررات یعنی برقراری نظم لطمه دیده از جرم و صیانت از حقوق و آزادی‌های فرد در معرض مجازات، نمایان می‌گردد. مراجع

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، وکیل پایه یک دادگستری

قضائی کیفری نیز نباید این دو هدف را از نظر دور دارند و به بهانه قاطعیت در برخورد با جرم، حقوق فرد متهم به ارتکاب آن را مورد تجاوز قرار دهند. اما حقوق انسانی شهروندان تنها در جریان رسیدگی‌های کیفری در معرض تجاوز قرار ندارد، بلکه اغلب، افرادی که قربانی نقض آشکار این حقوق واقع شده‌اند، به منظور تنبیه متجاوز و جبران زیان‌های تجاوز به حقوق خود دستگاه قضائی را برای دادخواهی برمی‌گزینند. بدین ترتیب، مراجع رسیدگی کیفری در موقعیت و جایگاه حساسی قرار دارند که آنها را هم ملجأ قربانیان نقض حقوق اساسی‌شان ساخته است و هم در مظان نقض حقوق متهمان قرار داده است. این نقش و موقعیت دوگانه، جامعه را به نظارت بر کار دستگاه قضائی و نحوه حق‌گزاری در آن سخت علاقه‌مند ساخته است تا از نزدیک شاهد چگونگی تضمین و حمایت از حقوق اعضاء خود باشد.

براین اساس و به منظور تأمین این نظارت، امروزه اصل علنی بودن دادرسی به عنوان یکی از اصول مسلم دادرسی‌های کیفری و از معیارهای جهانی پذیرفته شده در این زمینه به شمار می‌رود. هرچند که این اصل، هم اکنون اصلی بدیهی و بی‌مناقشه به نظر می‌رسد، اما تمایل حاکمان به نقض آن، جامعه بین‌المللی را بر آن داشته است که با درج آن در اسناد متعدد بین‌المللی اصل مزبور را در زمره حقوق اساسی بشر قرار دهد و برخی کشورها نیز با قرار دادن آن در قانون اساسی خود، تخلف‌ناپذیری این اصل را به قانونگذاران خود خاطرنشان ساخته‌اند. این مدارک، که حاکی از اهمیت بسزای این اصل در دادرسی‌های کیفری است،^۱ از یکسو و برگزاری غیرعلنی برخی محاکمات مورد توجه جامعه ما در چند سال اخیر، از سوی دیگر، ما را به شناختن جایگاه اصل مذکور در حقوق کشورمان ترغیب می‌نماید. بدین منظور، نخست با بررسی چند سند بین‌المللی در این زمینه با موقعیت اصل یادشده در سطح بین‌المللی آشنا می‌شویم (فصل اول) و سپس با مطالعه قوانین کشورمان در این خصوص، ضمن پی‌بردن به میزان انطباق حقوق داخلی ایران با اسناد بین‌المللی مورد اشاره، کاستی‌های احتمالی آن در رعایت این اصل بر ما نمایان خواهد شد (فصل دوم).

^۱ هرچند که جز در موارد استثنائی، اسناد مذکور ناظر به همه رسیدگی‌های قضائی، اعم از مدنی و کیفری است، اما در این مقاله، تنها رعایت این اصل در دادرسی‌های کیفری مورد توجه قرار خواهد گرفت.

فصل اول: علنی بودن دادرسی در اسناد بین‌المللی

در زمینه لزوم علنی بودن دادرسی، اسناد متعددی در روابط بین‌المللی شکل گرفته است. برخی از این اسناد، جهانی هستند و کشورهای عضو سازمان ملل متحد به عنوان اعضای جامعه بین‌المللی آنها را تنظیم نموده‌اند (بخش اول) و برخی دیگر از این مدارک، اسناد منطقه‌ای هستند که میان کشورهای منطقه جغرافیایی خاصی به امضاء رسیده‌اند (بخش دوم).

بخش اول: اسناد جهانی

در سطح جهانی، چند سند مهم وجود دارد که در آنها بر لزوم علنی بودن دادرسی تأکید شده است و در اینجا به عنوان نمونه، تنها به دو سند اشاره می‌شود: یکی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران نیز یکی از اعضای آن است (بند اول) و دیگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که کشورمان با امضای آن آمادگی خود را برای طی مراحل تصویب در داخل و الحاق به آن اعلام نموده است (بند دوم).

بند اول: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یک معاهده بین‌المللی است که در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ تحت نظارت سازمان ملل متحد به امضاء رسیده است. دولت ایران با تصویب مجلس در تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۵۱ به این میثاق ملحق گردیده و بدین ترتیب با توجه به ماده ۹ قانون مدنی، مقررات آن در دادگاه‌های کشورمان مستقیماً قابل اجراء است. این میثاق که تا حد زیادی دربردارنده مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ می‌باشد اصل علنی بودن دادرسی را که قبلاً در ماده ۱۰ اعلامیه انعکاس یافته بود، به روشنی مورد تأکید قرار داده و موارد استثنائی غیرعلنی بودن رسیدگی را مشخص نموده است. مطابق بند ۱ ماده ۱۴ این میثاق:

«همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند. هرکس حق دارد به این که به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی شود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزائی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات آن در امور مدنی اتخاذ تصمیم بنماید. تصمیم به سری بودن جلسات در تمام یا قسمتی از

دادرسی خواه به جهات اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک و خواه در صورتی که مصلحت زندگی خصوصی اصحاب دعوی اقتضاء کند و خواه در مواردی که از لحاظ کیفیت خاص، علنی بودن جلسات مضر به مصالح دادگستری باشد تا حدی که دادگاه لازم بداند امکان دارد، لیکن حکم صادر شده در امور کیفری یا مدنی علنی خواهد بود، مگر آنکه مصلحت صغار طور دیگری اقتضاء نماید یا دادرسی مربوط به اختلافات زناشویی یا ولایت اطفال باشد».

بدین ترتیب، می‌توان گفت که برگزاری غیرعلنی دادگاه‌ها توسط دول عضو، تخلف از میثاق تلقی و منجر به محکومیت دولت متخلف در کمیته حقوق بشر خواهد شد. به عنوان نمونه می‌توان به شکایت همسر یک زندانی از دولت پرو اشاره نمود که در سوم آوریل ۱۹۹۳ در یکی از زندان‌های این کشور توسط دادگاهی با «قضات بی‌چهره»^۲ محاکمه و به حبس ابد محکوم شده بود. این دادگاه‌های ویژه به موجب قوانین خاص ضد تروریستی تأسیس شده بودند که به قضات آن اجازه می‌دادند که به منظور ناشناس ماندن و ایمن بودن از سوءقصد‌های تروریستی توسط محکومان دادگاه و دیگر اعضای فعال گروه، چهره خود را در هنگام محاکمه بپوشانند. در رسیدگی به این شکایت، کمیته حقوق بشر که به موجب ماده ۲۸ میثاق تأسیس گردیده است اعلام نمود: «چنین محاکماتی توسط دادگاه‌های ویژه متشکل از قضات ناشناس، با ماده ۱۴ میثاق ناسازگار است... در واقع، طبیعت نظام محاکمه توسط قضات بی‌چهره در زندانی دور افتاده، مبتنی بر خارج ساختن مردم از جریان رسیدگی است و در چنین وضعیتی، متهمان نمی‌دانند که توسط چه کسانی محاکمه می‌شوند و موانع غیرقابل قبولی در تدارک دفاع و برقراری ارتباط با وکلایشان ایجاد می‌گردد».^۳

² Faceless judges.

³ Quoted by: Sarah JOSEPH, Jenny SCHULTZ and Melissa CASTAN, *The International Covenant on Civil and Political Rights, Cases, materials and commentary*, Oxford University Press, 2000, p. 305.

بند دوم: اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز که در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ به امضاء رسیده است مقرراتی برای حفظ حقوق دفاعی متهمان پیش‌بینی شده که از جمله آنها برگزاری علنی محاکمه آنهاست. از این رو، اساسنامه یک بار در بند ۷ ماده ۶۴ ناظر بر وظائف و اختیارات شعبه بدوی مقرر می‌دارد که: «محاکمه علنی است. با این حال، شعبه بدوی می‌تواند به جهات مذکور در ماده ۶۸ و یا به منظور حفظ اطلاعات محرمانه یا حساسی که در اظهارات افراد مطرح می‌شود، غیرعلنی بودن برخی جلسات رسیدگی را اعلام نماید...» یک بار دیگر نیز در بند ۱ ماده ۶۷ درباره حقوق متهم اعلام می‌نماید: «متهم حق دارد که اتهامات او، با توجه به مقررات این اساسنامه، به طور علنی، منصفانه و بی‌طرفانه مورد رسیدگی قرار گیرد...» علاوه بر آنچه در قسمت اخیر بند ۷ ماده ۶۴ ذکر شده، سایر استثنائات اصل علنی بودن دادرسی در ماده ۶۸ مورد اشاره قرار گرفته است. بند ۲ ماده ۶۸ در این زمینه اعلام می‌نماید: «به عنوان استثنائی بر اصل علنی بودن جلسات محاکمه که در ماده ۶۷ اعلام گردیده، شعب دیوان می‌تواند به منظور حفظ جان مجنی‌علیه، شهود یا متهم، دستور غیرعلنی شدن هر مرحله از رسیدگی را بدهند یا اجازه دهند که اظهارات افراد به کمک وسایل الکترونیکی یا دیگر وسایل خاص ثبت و ضبط گردد. این اقدامات به ویژه در مورد فرد قربانی خشونت‌های جنسی یا کودک قربانی یا شاهد جرم صورت می‌گیرد، مگر اینکه دادگاه، با توجه به کلیه جوانب امر، به ویژه نظرات قربانی یا شاهد، تصمیم دیگری اتخاذ نماید...»

بخش دوم: اسناد منطقه‌ای

در برخی نقاط جهان، کشورهایی که در یک منطقه جغرافیایی محدود قرار دارند و به دلیل فرهنگ و تمدن مشترک، دارای اهداف و منافع مشترکی هستند با تنظیم معاهدات چندجانبه در زمینه‌های مختلف، به بیان آرمان‌های خود و طرق نیل به تحقق آنها می‌پردازند. یکی از زمینه‌های مورد علاقه این کشورها، قلمرو حقوق بشر است که در مورد آن به تهیه و تنظیم کنوانسیون‌های مهمی مبادرت نموده‌اند و در این بخش به دو سند مهم در این زمینه اشاره می‌شود: یکی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (بند اول) و دیگری کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (بند دوم).

بند اول: کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

در چارچوب همکاری‌های دول عضو شورای اروپا که تعداد آنها هم اکنون به ۴۵ کشور می‌رسد، کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی موسوم به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در تاریخ چهارم نوامبر ۱۹۵۰ به امضای اعضای رسیده است. این کنوانسیون، که تاکنون تمام ۴۵ کشور عضو شورا به آن پیوسته‌اند، ضمن شناسایی و معرفی مصادیق حقوق اساسی بشر، راهکارهای حمایت از آنها را نیز تعیین نموده است. در ماده ۶ این کنوانسیون، تحت عنوان حق دادرسی منصفانه، که در عین حال طولانی‌ترین ماده آن محسوب می‌شود، حق متهم مبنی بر علنی بودن محاکمه او بدین شرح در بند ۱ مورد تأکید قرار گرفته است:

«هر کس حق دارد که به دعوی او به طور منصفانه، علنی و در مدت زمانی معقول، توسط دادگاهی مستقل و بی‌طرف که به موجب قانون تشکیل شده و در مورد اعتراضات نسبت به حقوق و تعهدات مدنی او یا درستی مبنای اتهامات وی در امور جزائی تصمیم می‌گیرد، رسیدگی شود. حکم دادگاه باید علنی صادر شود اما به منظور رعایت اخلاق، نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک، یا هنگامی که منافع اطفال یا حفظ مسائل خصوصی زندگی اصحاب دعوی ایجاب نماید یا در صورتی که ممکن است با توجه به اوضاع و احوال خاص یک پرونده، علنی بودن رسیدگی به منافع عدالت لطمه بزند و دادگاه نیز ضرورت محض آن را تشخیص دهد، ورود نمایندگان مطبوعات و مردم به محل تشکیل جلسات دادگاه می‌تواند در تمام مدت رسیدگی یا بخشی از آن ممنوع گردد.»

بدین ترتیب، در ذیل عنوان کلی «دادرسی منصفانه»^۴ از لزوم «علنی بودن» رسیدگی سخن به میان آمده است و در نتیجه بی‌دلیل نیست که به اعتقاد برخی از

^۴ بر اساس رویه کمیسیون و دیوان اروپایی حقوق بشر، رعایت «انصاف» در دادرسی ایجاب می‌نماید که هر یک از طرفین دعوی - اعم از مدنی و کیفری - بتواند در شرایطی از ادعای خود دفاع کند که در مجموع او را نسبت به طرف دیگر در موقعیت نامساعدتری قرار ندهد. به نقل از:

Jean-Claude SOYER et Michel DE SALVIA, in: *La Convention européenne des droits de l'homme, Commentaire article par article*, sous la direction de Louis-Edmond PETTITI, et al., Paris, Economica, 1995, p. 265.

حقوقدانان، «منصفانه بودن» دادرسی اصطلاح عامی است که شامل همه حقوق مورد اشاره در این ماده، از جمله علنی بودن دادرسی، می‌گردد.^۵ در عین حال لازم به ذکر است که دیوان اروپایی حقوق بشر تصریح نموده است: «نحوه اجرای بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون بستگی به ویژگی‌های هر مرحله از رسیدگی دارد» و در نتیجه مثلاً «فقدان رسیدگی علنی در دیوان کشور، ناقض بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون نیست».^۶

بند دوم: کنوانسیون امریکایی حقوق بشر

دیگر سند منطقه‌ای که در آن علنی بودن دادرسی مورد تأکید قرار گرفته است کنوانسیون امریکایی حقوق بشر معروف به پیمان «سن خوزه» است که توسط دول عضو سازمان کشورهای امریکایی در سال ۱۹۶۹ به امضاء رسیده است. این سازمان که در سال ۱۹۴۸ به موجب منشور بوگوتا تأسیس گردید دارای ۳۵ عضو از کشورهای قاره امریکاست که تاکنون ۲۵ عضو آن به کنوانسیون مذکور ملحق شده‌اند. این کنوانسیون نیز که تا حد زیادی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شباهت دارد در ماده ۸ خود تحت عنوان «حق دادرسی منصفانه» به معرفی حقوق فرد در رسیدگی‌های قضائی پرداخته است و در بند پنجم خود مقرر می‌دارد: «رسیدگی‌های کیفری علنی خواهد بود، مگر هنگامی که حفظ منافع عدالت ضروری باشد (و غیرعلنی بودن را اقتضاء نماید)».

بنابراین، اصل علنی بودن دادرسی در این کنوانسیون نیز اعلام شده و به دلیل اهمیت آن در امور کیفری، متن بند ۵ ماده ۸ به گونه‌ای تنظیم گردیده است که ظاهر آن حکایت از اختصاص اصل مذکور به دادرسی‌های کیفری دارد. به هر حال، دیوان امریکایی حقوق بشر در قضیه‌ای که در آن مرجع مطرح گردیده بود رسیدگی دادگاه‌های نظامی به جرائم غیرنظامیان را به دلیل محرمانه بودن طرز کار آنها مغایر با بند ۵ ماده ۸ ناظر بر لزوم علنی بودن رسیدگی‌های کیفری اعلام نمود.^۷

⁵ Jean PRADEL et Geert CORSTENS, *Droit pénal européen*, 2^e éd., Paris, Dalloz, 2002, p. 374.

⁶ Cité par: *ibid.*, p. 413.

⁷ Hélène TIGROUDJA et Ioannis K. PANOUSSIS, *La Cour interaméricaine des droits de l'homme, analyse de la jurisprudence consultative et contentieuse*, Bruxelles, Nemesis et Bruylant, 2003, p. 268.

اسناد بین‌المللی موجود در زمینه دادرسی کیفری و حقوق بشر، که به چند نمونه از آنها اشاره شد، حکایت از اهمیت و موقعیت برجسته اصل علنی بودن در رسیدگی‌های کیفری دارد. در واقع این اصل امروزه به صورت یکی از استانداردهای جهانی یک دادرسی عادلانه درآمده است و جامعه بین‌المللی در سطوح مختلف لزوم رعایت آن را مورد تأکید قرار داده است. بدین ترتیب، بررسی موقعیت حقوق کشورمان به عنوان عضوی از جامعه جهانی و متعهد به برخی اسناد بین‌المللی مورد اشاره مناسب به نظر می‌رسد.

فصل دوم: علنی بودن دادرسی در حقوق ایران

مطالعه متون قانونی به تصویب رسیده در کشورمان، نشان‌دهنده این است که علنی بودن دادرسی به عنوان یک اصل در حقوق ایران مورد شناسایی قرار گرفته است (بخش اول)، اصلی که اجرای آن در عمل مستلزم رعایت محدودیت‌هایی است (بخش دوم).

بخش اول: شناسایی اصل علنی بودن دادرسی

لزوم برگزاری علنی محاکمات کیفری از دیرباز در قوانین ایران پیش‌بینی شده است. اعلام این امر در بالاترین متون قانونی کشور نشان‌دهنده موقعیت ممتاز آن در نظام حقوقی ایران است (بند اول) و همین امر کنجکاوی درباره مبنا و محتوای این اصل را برمی‌انگیزد (بند دوم).

بند اول: موقعیت ممتاز اصل در سلسله مراتب قوانین

در کشور ما، میان مقررات الزام‌آوری که هر یک توسط مقام صلاحیتدار آن وضع می‌گردد سلسله مراتبی وجود دارد، بدین نحو که قانون اساسی که حاوی اصول کلی حاکم بر خط مشی و طرز کار قوای کشور و تنظیم‌کننده رابطه میان حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان است در صدر قرار دارد. پس از آن جایگاه قانون عادی قرار دارد و سپس نوبت به آئین‌نامه‌های دولت می‌رسد. نحوه تقسیم قدرت میان این طبقات به گونه‌ای است که مقررات هر طبقه می‌تواند مخالف دستورات طبقه پائین‌تر باشد ولی نمی‌تواند با احکام طبقه بالاتر از خود تعارض

داشته باشد. از این رو، قانون عادی نمی‌تواند برخلاف قانون اساسی باشد (اصل ۷۲ قانون اساسی) و آئین‌نامه دولت نباید مخالفتی با قانون عادی داشته باشد (اصل ۱۳۸ قانون اساسی). مطالعه قوانین مختلفی که به شناسایی اصل علنی بودن دادرسی در کشورمان پرداخته‌اند به خوبی نشان می‌دهد که این اصل در سلسله مراتب قوانین در حقوق ما از موقعیت ممتاز و معتبری برخوردار است و نقض یا محدود ساختن آن، مغایر با قانون اساسی به شمار می‌رود. به دیگر سخن، هدف این بوده است که با قرار دادن این اصل در قانون اساسی، حتی قانونگذار را نیز یارای تجاوز به آن نباشد و در زمره اصولی قرار گیرد که نقض آن با وضع قانون نیز میسر نگردد.

بدین ترتیب، از لحاظ سابقه تاریخی، به عنوان نخستین متن قانونی باید به اصل ۷۶ متمم قانون اساسی مشروطیت اشاره نمود که مقرر می‌داشت:

«انعقاد کلیه محاکمات علنی است، مگر آنکه علنی بودن آن مخل نظم یا منافی عصمت باشد. در این صورت، لزوم اخفاء را محکمه اعلام می‌نماید.»

پس از آن در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ شمسی که در حال حاضر همچنان در دادگاه‌های نظامی لازم‌الاجراء است،^۸ ماده ۳۲۶ به این موضوع اختصاص یافت و مقرر شد:

«رسیدگی و تحقیقات محکمه عموماً باید علنی باشد به استثنای موارد ذیل:
 ۱ در جرائم راجع به عصمت،
 ۲ در موارد اعمال شنیعه و جرائمی که بر ضد اخلاق حسنه است،
 ۳ در اقداماتی که بر ضد احساسات مذهبی می‌شود،
 ۴ در مواردی که علنی بودن محاکمه مخل امنیت و انتظام مملکتی باشد.
 محکمه قرار محاکمه سری را بعد از اظهار عقیده مدعی‌العموم می‌دهد...».

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تدوین قانون اساسی جدید، اصل علنی بودن دادرسی بار دیگر به مهر تأیید عالی‌ترین متن قانونی کشور آراسته شد و در اصل

^۸ مفاد ماده ۳۰۸ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸- رأی وحدت رویه شماره ۶۵۶ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور.

۱۶۵ این قانون صریحاً اعلام گردید:

«محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

این اصل، عام و ناظر به همه محاکمات، اعم از مدنی و کیفری است، اما به دلیل اهمیت رعایت آن در رسیدگی‌های جزائی، ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز با این عبارات اصل مذکور را به دادگاه‌ها خاطر نشان ساخته است:

«محاکمات دادگاه علنی است به استثنای موارد زیر به تشخیص دادگاه:
۱- اعمال منافی عفت و جرائمی که برخلاف اخلاق حسنه است،
۲- امور خانوادگی یا دعاوی خصوصی به درخواست طرفین،
۳- علنی بودن محاکمه منحل امنیت یا احساسات مذهبی باشد...».

بند دوم: مبنا و محتوای اصل

علنی بودن دادرسی یکی از مهمترین راه‌های تضمین حق دفاع متهم است. این اصل، برخاسته از حق نظارت وجدان عمومی بر کار دستگاه قضائی است و به جامعه‌ای که امر تعقیب و مجازات بزهکاران را به تشکیلات منسجم و قانونمندی به نام دادگستری واگذار نموده است این امکان را می‌دهد که بر چگونگی انجام این وظیفه و نحوه احقاق حق در دادگاه‌ها نظارت نماید. در واقع، در کشورهایی که حضور هیأت منصفه در محاکم آن عمومیت نیافته و محدود به جرائم خاصی است، برگزاری علنی جلسات دادرسی می‌تواند با فراهم نمودن امکان نظارت مردم و انعکاس نارضایتی آنها از نحوه حقگزاری در محاکم دادگستری، فقدان هیأت منصفه را تا حدی جبران نماید.

علنی بودن دادرسی در فقه شیعه نیز واجد و جاهت است و با قضای اسلامی سازگار به نظر می‌رسد. شیخ طوسی در بخش آداب القضاء از کتاب معروف خود، المبسوط، پس از بیان اینکه «هرگاه قاضی بخواهد میان مردم به قضاوت بپردازد،

مستحب است که این کار را در محلی که برای مردم معلوم و مشخص باشد، مثل محلی وسیع و فراخ انجام دهد تا هر نیازمندی بدون هیچ زحمتی به او دسترسی داشته باشد» در مورد دیگران می‌افزاید «برای قاضی مستحب است که هر کس بتواند به محل جلسه دادرسی او دسترسی پیدا نماید و نگرهبانی برای ممانعت مردم از ورود به آنجا نگمارد».^۹

از نظر آثار و نتایج، علنی بودن دادرسی هم به نفع متهم است و هم به نفع قاضی. این شیوه رسیدگی، حقوق دفاعی متهم را در پناه نگاه تیزبین عموم از تجاوز دادرس مصون داشته، امکان برخورداری از آنها را برای وی فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، برگزاری جلسات دادرسی به صورت علنی، شائبه خروج دادرس از بی‌طرفی و صدور احکام مورد علاقه حکومت را نیز از بین می‌برد، «به عدالتی که محرمانه اجرا شود چه اعتمادی می‌توان نمود؟»^{۱۰}

در چنین شرایطی، شهود، مطلعین، کارشناسان و سایر اشخاصی که در پرونده دخالت دارند نیز خود را در کانون توجه عموم یافته، از بیان اظهارات ناصواب پرهیز می‌نمایند، هرچند که گفته شده در این حالت، «شهود کمرو و درون‌گرا ممکن است برای ادای شهادت در یک دادرسی علنی قدم پیش نگذارند».^{۱۱}

مفهوم و محتوای این اصل این است که علاوه بر اشخاصی که به عنوان شاکی، متهم، وکیل هر یک از آنها، شاهد، کارشناس و غیره در پرونده نقش دارند و توسط دادگاه به جلسه دادرسی دعوت می‌شوند، هر کس هم که به هر دلیل مایل به حضور در جلسات رسیدگی دادگاه باشد، می‌تواند بدون دعوت و احضار قبلی در دادگاه حاضر شده، جریان رسیدگی را از نزدیک مشاهده نماید. نتیجه این امر، عدم امکان جلوگیری از ورود افراد فاقد سمت در پرونده به جلسه دادگاه و عدم امکان خارج ساختن آنها از این محل است. این است که تبصره ۱ ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به روشنی اعلام می‌نماید:

^۹ شیخ طوسی، *المبسوط*، ج ۸، قم، المكتبة المرتضوية، ۱۳۵۱، ص ۸۷ و نیز نگاه کنید به همین مضمون در: ابن ادریس، *السرائر*، ج ۲، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۴، ص ۱۵۶.

^{۱۰} Gaston STEFANI, Georges LEVASSEUR et Bernard BOULOC, *Procédure pénale*, 18è éd., Paris, Dalloz, 2001, p. 772.

^{۱۱} Joel SAMAHA, *Criminal procedure*, 3rd ed., West Publishing Company, 1996, p. 563.

«منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در دادگاه می‌باشد...»

با این حال باید به این نکته توجه داشت که در کشورهایی که با قبول روش دادرسی مختلط، در مرحله تحقیقات مقدماتی از شیوه تفتیشی و در مرحله دادرسی از شیوه اتهامی پیروی می‌کنند،^{۱۲} علنی بودن اختصاص به جلسات رسیدگی دادگاه دارد و شامل جلسات بازپرسی در تحقیقات مقدماتی نمی‌گردد. بنابراین، در کشور ما که قوانین مربوط به آئین دادرسی کیفری از این روش الهام گرفته است «استنطاق در هر مورد غیرعلنی است»^{۱۳} و «تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعین قبل از محاکمه غیرعلنی»^{۱۴} به عمل می‌آید. غیرعلنی بودن رسیدگی در این مرحله، هم بازپرس را از فشار افکار عمومی و هیجان ناشی از ارتکاب جرم در جامعه می‌رهاند و هم متهم را از انگ شهرت به اتهامی که هنوز دلایل توجه آن به وی مورد بازرسی کامل قرار نگرفته، مصون می‌دارد. بدین ترتیب، عدم اجازه حضور اشخاصی غیر از افراد دخیل در پرونده در جلسات بازپرس مغایرتی با قبول اصل کلی علنی بودن دادرسی ندارد.

همچنین، این اصل شامل رسیدگی مراجعی که بر حسب وظائف و مأموریت خود، داور میان حکم قاضی و قانون بوده و خود به محاکمه متهم نمی‌پردازند، نمی‌گردد. بنابراین، دامنه اصل علنی بودن به دیوان عالی کشور نمی‌رسد و برگزاری غیرعلنی جلسات شعب دیوان در رسیدگی فرجامی، مغایر قانون محسوب نمی‌گردد. علاوه بر این، جلسات مراجع غیرقضائی نیز تابع اصل علنی بودن نیست. از این رو، مذاکرات اعضای هیأت منصفه نیز به طور غیرعلنی برگزار می‌گردد. رسیدگی به جرائم اطفال نیز، به دلیل طبع لطیف این افراد و لزوم دور ماندن آنها از کانون توجه جامعه و امکان باز اجتماعی شدن سریع آنها، به صورت غیرعلنی انجام

۱۲ نک: دکتر محمد آشوری، آئین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران، سمت، چاپ ششم، ۱۳۸۰، ص ۳۸-۳۷، دکتر محمود آخوندی، آئین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۰، ص ۷۵.

۱۳ ماده ۱۴۴ قانون آئین دادرسی کیفری.

۱۴ ماده ۱۵۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.

می‌گردد.^{۱۵} در مقابل، دادگاه‌های اختصاصی، یعنی دادگاه‌های نظامی، انقلاب و ویژه روحانیت نیز تابع اصل علنی بودن دادرسی و ملزم به رعایت آن هستند. همچنین، در مواردی که دادگاه‌های تجدید نظر استان در مقام رسیدگی تجدید نظر که به صورت ماهوی است، احضار طرفین و شنیدن اظهارات آنها را در جلسات خود لازم بدانند،^{۱۶} جلسه رسیدگی باید به شکل علنی برگزار گردد.

بخش دوم: اجرای اصل علنی بودن دادرسی

اصل علنی بودن رسیدگی‌ها در صورتی می‌تواند تضمین‌کننده یک دادرسی شفاف و عدالتی نمایان باشد که در عمل به درستی اجرا شود. بی‌اعتنایی به این اصل یا ایجاد محدودیت‌های سلیقه‌ای برای آن، شهروندان را از یکی از حقوق مسلم خود نسبت به دستگاه قضائی کشورشان محروم و آنان را به طرز کار قضات بدبین می‌سازد. در عین حال، با وجود اهمیت این اصل، گاه به دلیل مصالحی والایر، دادگاه به حکم قانون موظف است که جلسات رسیدگی به پرونده‌ای خاص را به طور غیرعلنی برگزار نماید. بدین ترتیب، رسیدگی علنی به اتهام متهم، هم مقتضیاتی دارد که دادرسی مکلف به رعایت آن است (بند اول) و هم با استثنائاتی مواجه است که غیرعلنی شدن جلسات دادگاه را موجب می‌شود (بند دوم).

بند اول: مقتضیات دادرسی علنی

برگزاری علنی جلسات رسیدگی به یک پرونده موکول به اجازه دادرسی یا صدور قرار خاصی از جانب او نیست. اصل بر علنی بودن است و هرکس به نحوی از اشتغال دادگاه به امر کیفری مطلع گردد، حق دارد در وقت مقرر در شعبه رسیدگی‌کننده حاضر شده، جریان رسیدگی را از نزدیک تماشا نماید، بدون اینکه رئیس دادگاه بتواند مانع حضور او در جلسه گردد. رویه پسندیده‌ای که در برخی

^{۱۵} ماده ۲۲۵ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مقرر می‌دارد: «رسیدگی به جرائم اطفال علنی نخواهد بود. در دادگاه فقط اولیاء و سرپرست قانونی طفل و وکیل مدافع و شهود و مطلعین و نماینده کانون اصلاح و تربیت که دادگاه حضور آنان را لازم بداند حاضر خواهند شد. انتشار جریان دادگاه از طریق رسانه‌های گروهی و یا فیلمبرداری و تهیه عکس و افشای هویت و مشخصات طفل متهم ممنوع و متخلف به مجازات قانونی مندرج در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.»

^{۱۶} نک: مواد ۲۵۲ و ۲۵۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.

کشورهای دیگر شکل گرفته و بر اساس آن اوقات رسیدگی هر شعبه دادگاه با ذکر اتهام موضوع رسیدگی در راهروهای کاخ دادگستری برای ملاحظه عموم نصب می‌گردد، شیوه‌ای مناسب برای تسهیل حضور مردم در جلسات دادرسی است و می‌تواند در کشور ما نیز مورد توجه قرار گیرد.

با این حال باید توجه داشت که، علنی بودن رسیدگی و جواز حضور تماشاچی در جلسه دادرسی، امری است که با توجه به امکانات مادی محل تشکیل دادگاه محدودیت‌پذیر است. بنابراین، دادرس فقط تا حدی که فضای دادگاه و تعداد صندلی‌های خالی موجود در آن امکان پذیرش افرادی غیر از اصحاب دعوی و وکلای آنها را می‌دهد، موظف به قبول آنهاست و بیش از آن تکلیفی ندارد. ورود کودکان به تنهایی یا به همراه والدین خود به جلسه دادگاه نیز ممنوع است. علنی بودن دادرسی به معنای عدم کنترل واردشوندگان نیست و از ورود کسانی که به سن لازم برای تشخیص اعمال خوب و بد نرسیده‌اند و شنیدن جزئیات ارتکاب برخی اعمال جنایتکارانه می‌تواند سبب فراگیری شیوه‌های ارتکاب جرم یا آسیب روانی آنها گردد، جلوگیری به عمل خواهد آمد. این است که ماده ۱۸۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مقرر می‌دارد: «حضور اشخاصی که کمتر از ۱۵ سال سن دارند در دادگاهی که به امور کیفری رسیدگی می‌کند به عنوان تماشاچی ممنوع می‌باشد.»

کسانی که در جلسه دادگاه به عنوان تماشاچی حاضر می‌شوند، حق هیچ‌گونه اظهار نظری نداشته، در تمام طول مدت رسیدگی باید ساکت مانده از جانبداری به نفع یکی از طرفین خودداری نمایند. قطع سخنان هریک از کسانی که اجازه صحبت می‌یابند، اعم از اینکه برای تأیید باشد یا تکذیب، ممنوع است و نظم جلسه باید رعایت گردد. با این حال، وجود همه‌همه، اخلال یا بی‌نظمی در نزد تماشاچیان، دلیلی برای اعلام غیرعلنی بودن رسیدگی محسوب نمی‌شود، بلکه دادرس می‌تواند کسانی را که باعث برهم زدن نظم جلسه دادگاه می‌شوند از حضور در جلسه محروم و یا حتی توقیف نماید. از این رو تبصره ۲ ماده ۱۸۸ قانون یادشده اعلام می‌نماید:

«اخلال نظم دادگاه از طرف متهم یا سایر اشخاص موجب غیرعلنی شدن محاکمه نیست و باید به گونه مقتضی نظم برقرار شود. رئیس دادگاه می‌تواند

کسانی را که باعث اخلال نظم می‌شوند از یک تا پنج روز توقیف نماید، دستور دادگاه قطعی است و فوری به اجرا گذارده خواهد شد. دادگاه پیش از شروع به رسیدگی مفاد این تبصره را به اشخاصی که در دادگاه حاضرند یادآور می‌شود.

در مورد پرونده‌های مهمی که به دلیل تأثیر عمیق آن بر روی افکار عمومی، روند آن با دقت و حساسیت از طرف مردم دنبال می‌شود، ممکن است که محل تشکیل دادگاه گنجایش کافی برای پذیرش همه مراجعان را نداشته باشد. در این صورت، منعی وجود ندارد که دادرسی برای فراهم ساختن امکان حضور مردم، دستور تشکیل جلسه در سالنی بزرگتر یا قرار دادن صندلی در سالن مجاور یا سرسرای محل را بدهد و به منظور برقراری ارتباط میان سالن اصلی و سالن اجتماع تماشاچیان، به طور همزمان جریان صوتی و تصویری محاکمه برای آنها پخش گردد. اما در هر حال، این وضعیت استثنائی مختص محل استقرار دادگاه است و علنی بودن دادرسی مستلزم و یا حتی مجوز پخش جریان محاکمه و مذاکرات آن از طریق شبکه‌های تلویزیونی نیست و قاضی می‌تواند مانع ضبط فیلم و تهیه گزارش تصویری از جلسه رسیدگی گردد.

با وجود اینکه یک دادرسی علنی به هرکس امکان می‌دهد که خود جریان رسیدگی را از نزدیک مشاهده نماید، اما امکانات محدود دادگاه‌ها برای پذیرش همه علاقه‌مندان از یکسو و اشتغالات متعددی که مردم را از حضور در این‌گونه جلسات باز می‌دارد از سوی دیگر باعث می‌شود که همواره بسیاری از مردم نتوانند شخصاً و از نزدیک جریان محاکمه را پی‌گیری نمایند. در یک جامعه آزاد که در آن وسایل ارتباط جمعی نقش خود را به عنوان یک عامل اطلاع‌رسانی به خوبی ایفاء می‌کنند، مردم برای تعقیب جریان محاکمات به این رسانه‌ها توجه و اعتماد می‌نمایند. نمایندگان این رسانه‌ها، به ویژه خبرنگاران روزنامه‌ها، باید بتوانند آزادانه مانند هر یک از شهروندان در جلسه رسیدگی به اتهام حاضر شده، جریان آن را به اطلاع مردم برسانند و برای بر خورداری از امکان انجام صحیح این وظیفه نیز باید مجاز به آوردن دستگاه ضبط صوت به دادگاه و ضبط مذاکرات آن باشند. با این حال، قسمت دوم تبصره ۱ ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری حکم شگفت‌آوری بدین شرح دارد:

«منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در دادگاه می‌باشد، لکن انتشار آن در رسانه‌های گروهی قبل از قطعی شدن حکم، مجاز نخواهد بود و متخلف از این تبصره به مجازات مفتری محکوم می‌شود.»

مرجع کلمه «آن» در عبارت «لکن انتشار آن در رسانه‌های گروهی قبل از قطعی شدن حکم، مجاز نخواهد بود»، واژه «محاکمه» است و منظور از «انتشار محاکمه»، در واقع «انتشار جریان مذاکرات صورت گرفته در جلسه محاکمه» است. این ممنوعیت با حکم قسمت نخست تبصره که ناظر بر علنی بودن محاکمه است سازگار به نظر نمی‌رسد زیرا وقتی که محاکمه علنی است و مردم می‌توانند آزادانه به دادگاه مراجعه و جریان مذاکرات را از نزدیک مشاهده نمایند، چرا نتوانند به جای عزیمت به محل تشکیل جلسه دادگاه، در منزل یا محل کار خود از طریق رسانه‌های گروهی روند رسیدگی را دنبال نمایند؟ در برخی پرونده‌های کیفری، جامعه به شدت تحت تأثیر جنایتی قرار می‌گیرد که یکی از اعضای آن را قربانی ساخته است. مردم از نخستین روزهای وقوع جنایت، گزارش آن را همراه با شرح حال متهم و اظهارات گواهان و مطلعان در روزنامه‌ها می‌خوانند و سخت در انتظار عدالتی سریع و قاطع هستند. در این‌گونه موارد، اطلاع رسانی به موقع، نقش بزرگی در تسکین آلام و هیجانات به وجود آمده در جامعه دارد ولی متأسفانه، در حالی که مطبوعات منعی در گزارش حادثه و معرفی عوامل مؤثر در آن نداشته‌اند، از اعلام جزئیات جریان محاکمه متهم و چگونگی اجرای عدالت در مورد او منع شده‌اند. چنین ممنوعیتی به نفع متهم نیز نمی‌باشد زیرا منافع او اقتضاء می‌کند که پس از فروکش نمودن شایعات و گمانه‌زنی‌های بعد از وقوع حادثه که گاه ممکن است به نحو اغراق‌آمیز و غیرواقعی در مطبوعات منعکس شده باشد، از فرصت به وجود آمده برای دفاع علنی از خود و زدودن اتهامات ناروا استفاده نماید. اما تبصره یادشده، انتشار جریان مذاکرات جلسه را در رسانه‌های گروهی، از جمله صدا و سیما، تا قطعی شدن رأی دادگاه ممنوع و متخلف را از لحاظ کیفری قابل مجازات نیز شناخته است.^{۱۷} تجربه نشان

^{۱۷} هرچند که از لحاظ ماهوی، عمل متخلف شباهت بیشتری به ارکان جرم افشای راز حرفه‌ای موضوع ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی دارد، اما قانونگذار برای این عمل مجازات مفتری را مقرر نموده

داده است که این حکم غیرمنطقی، در عمل نیز به صورتی دوگانه اجرا می‌شود به نحوی که گاه به بهانه قطعی نبودن حکم از اعلام رأی صادر شده در پرونده‌ای به مطبوعات خودداری می‌گردد تا مانع اطلاع مردم از محتوای آن شوند و گاه جزئیات اقدامات و اظهارات صورت گرفته در جریان رسیدگی به پرونده‌ای، اعم از مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی، قبل از صدور رأی به طور کامل جهت انتشار در اختیار روزنامه‌ها گذاشته می‌شود. در هر حال، لازم به یادآوری است که آنچه که توسط قانونگذار منع گردیده، انتشار تفصیل مذاکرات جلسه رسیدگی است ولی درج خبر محاکمه و گزارش خلاصه‌ای از جلسه آن در رسانه‌ها مغایر حکم قانون به نظر نمی‌رسد.

بند دوم: مستثنیات دادرسی علنی

علنی بودن دادرسی اصلی مطلق نیست که تحت هر شرایطی اجراء شود. گاه به دلیل مصالحی، نفع متهم و جامعه در این است که به اتهام مطرح شده به طور محرمانه و بدون حضور اشخاص ثالث رسیدگی شود و مطالب مطرح شده در آن علنی نگردد. از این رو، ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری با الهام از اصل ۱۶۵ قانون اساسی چند استثناء به اصل علنی بودن دادرسی وارد نموده است. قبل از بررسی این استثنائات باید خاطر نشان ساخت که ماده مذکور تنها ناظر به جریان رسیدگی است و صدور حکم و اعلام آن تابع اصل کلی علنی بودن است و محرمانه نخواهد بود.

نخستین بند ماده مذکور مربوط به «اعمال منافی عفت و جرائمی که برخلاف اخلاق حسنه است» می‌باشد. رسیدگی به این موارد گاه مستلزم بیان جزئیاتی از مسائل جنسی مربوط به زندگی خصوصی فرد است که وی حق دارد آنها را از عموم مخفی نماید. علنی بودن رسیدگی به این مسائل برخلاف این حق طبیعی فرد است و در جامعه مذهبی ما نیز موجب برانگیخته شدن احساسات خانواده‌ها می‌شود. تا حد امکان باید از برملاء شدن این روابط پرهیز نمود و آبرو و حیثیت متهم و خانواده و بستگان او را محفوظ نگاه داشت. تشخیص اینکه موضوع مورد رسیدگی عملی

← است که برطبق ماده ۶۹۷ همان قانون از یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آنها خواهد بود.

منافی عفت و برخلاف اخلاق حسنه است یا خیر بر عهده دادگاه قرار دارد و اگر برخی جرائم مانند زنا یا لواط نوعاً چنین خصوصیتی داشته باشند در مورد بعضی دیگر از جرائم مانند ازدواج با زنی که در عده دیگری است (ماده ۶۴۴ قانون مجازات اسلامی) اوضاع و احوال خاص پرونده ممکن است این ویژگی را به آن ببخشد.

دومین مورد از استثنای دادرسی علنی که در ماده مذکور مورد اشاره قرار گرفته «امور خانوادگی یا دعاوی خصوصی به درخواست طرفین» است. منظور از امور خانوادگی جرائمی غیر از اعمال منافی عفت و نامشروع است که در روابط میان اعضای خانواده ارتکاب می‌یابد مانند ترک انفاق. دعاوی خصوصی نیز در آئین دادرسی کیفری اصطلاح خاصی است که در برابر دعاوی عمومی قرار دارد و به معنای دعاوی مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم به کار می‌رود. اما بعید است که منظور قانونگذار از دعاوی خصوصی همین معنای اصطلاحی آن باشد زیرا موضوع اولیه و اصلی آئین دادرسی کیفری دعاوی عمومی است و دعاوی خصوصی در آن جنبه کاملاً فرعی و ثانوی دارد. به نظر می‌رسد که منظور از دعاوی خصوصی در اینجا آن دسته از دعاوی کیفری است که جنبه خصوصی آن بر جنبه عمومی آن غلبه دارد و تعقیب کیفری متهم منوط به شکایت شاکی خصوصی است. این نوع جرائم که مانند هر جرم دیگری واجد جنبه عمومی نیز هستند، گاه به ناروا جرائم خصوصی نامیده می‌شوند و اصولاً با گذشت شاکی خصوصی، تعقیب کیفری متهم نیز موقوف می‌گردد، مانند جرم قذف یا صدور چک پرداخت نشدنی. در هر حال، این نوع مسائل مربوط به امور خانوادگی یا دعاوی خصوصی اصولاً برای سایرین فاقد جذابیت است و توجه و علاقه آنها را برای شرکت در جلسه رسیدگی به این موضوعات بر نمی‌انگیزد. طرفین دعوی نیز معمولاً مایلند که مسائل زندگی خصوصی‌شان برملا نگردد و دیگران از آن مطلع نشوند. این است که در صورت تقاضای افراد ذی‌نفع در پرونده، دادگاه محاکمه را به طور غیرعلنی برگزار خواهد نمود.

سرانجام، سومین استثناء بر اصل کلی علنی بودن رسیدگی وقتی است که «علنی بودن محاکمه مخل امنیت یا احساسات مذهبی باشد». اصل ۱۶۵ قانون اساسی در این باره از مخالفت رسیدگی علنی با «نظم عمومی» سخن می‌گوید و

قانون عادی آن را به «امنیت و احساسات مذهبی» تبدیل نموده است که چندان موجه به نظر نمی‌رسد. شاید در نظر قانونگذار هر جرم امنیتی و منحل احساسات مذهبی برخلاف نظم عمومی هم به شمار می‌رود و وی با این کار قصد تبیین حکم کلی مندرج در اصل ۱۶۵ قانون اساسی را داشته است. امنیت و احساسات مذهبی اصطلاحاتی کلی هستند و در خصوص هر پرونده ممکن است ابعاد متفاوتی داشته باشند. در مورد این دسته از جرائم، زیان برگزاری علنی دادرسی بیش از منافع آن است زیرا رسیدگی به برخی از این جرائم مثلاً جاسوسی، گاه مستلزم طرح و بررسی اطلاعات طبقه‌بندی شده مربوط به کشور است که آگاهی عموم از آنها به صلاح حفظ و نگهداری آن اطلاعات نیست. در مورد برخی دیگر از جرائم مثلاً سب‌النبی، گاه طرح و تکرار گفتارهای متهم که منجر به تعقیب کیفری علیه او شده است می‌تواند احساسات مذهبی مردم جامعه ما را جریحه‌دار نماید.

در تمام موارد فوق، چنانچه موضوع اتهام از جرائم سیاسی یا مطبوعاتی باشد دادگاه نمی‌تواند جلسه رسیدگی را غیرعلنی نماید. به عبارت دیگر، با توجه به اینکه اصل ۱۶۸ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است...» وارد بر اصل ۱۶۵ می‌باشد و به گونه‌ای مطلق تنظیم شده، فاقد استثنائی بر اصل علنی بودن رسیدگی در این جرائم است، می‌توان به این نتیجه رسید که قانونگذار نخواست است که رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با هیچ عذر و بهانه‌ای به صورت غیرعلنی برگزار گردد.

در صورت وجود هر یک از جهات سه‌گانه یادشده، دادگاه رسیدگی به اتهام متهم را در تمام مدت رسیدگی یا در بخشی از آن به طور غیرعلنی برگزار خواهد نمود. اما متأسفانه برخلاف آنچه که سابقاً در قانون آئین دادرسی کیفری پیش‌بینی و در ذیل ماده ۳۲۷ مقرر شده بود که «محکمه قرار محاکمه سری را بعد از اظهار عقیده مدعی‌العموم می‌دهد»، در قانون فعلی صدور چنین قراری از سوی دادگاه پیش‌بینی نشده است. این امر قابل انتقاد به نظر می‌رسد زیرا راست است که احراز شرایط غیرعلنی شدن محاکمه امری موضوعی و موکول به تشخیص قاضی است اما اهمیت و جایگاه والای اصل علنی بودن دادرسی که در قانون اساسی کشورمان مورد تأکید قرار گرفته است ایجاب می‌کند که نقض و محدود ساختن آن کاملاً جنبه استثنائی داشته و تمسک قاضی به این استثناء نیز قابل کنترل باشد. به دیگر سخن،

شاکی یا متهم باید بتوانند خودداری قاضی از برگزاری علنی یک دادرسی را مورد اعتراض قرار دهند و از مرجع بالاتری رسیدگی به این اعتراض را بخواهند. این امر نیز ممکن نخواهد بود مگر اینکه قاضی از اتخاذ تصمیم به شیوه حاکمان ممنوع باشد و ملزم به صدور قرار جداگانه‌ای برای اعلام غیرعلنی بودن محاکمه گردد. در این حال، وی به منظور پرهیز از اقدامی که تجربه و دانش قضائی او را در معرض تردید قرار دهد، با ارائه استدلال و توجیه کافی اقدام به صدور قرار نماید که در مرجع تجدید نظر نقض نگردد و نهایتاً طرفین دعوی و جامعه از رعایت و تضمین اصل علنی بودن دادرسی منتفع خواهند شد.

نتیجه

امروزه علنی بودن دادرسی به عنوان یکی از معیارهای رعایت حقوق بشر در رسیدگی‌های کیفری شناخته می‌شود. به دیگر سخن، امروزه یکی از ملاک‌هایی که به وسیله آن میزان پای‌بندی دستگاه قضایی یک کشور به ضوابط و اصول حقوق بشر سنجیده می‌شود، برگزاری علنی محاکمات است. جامعه بین‌المللی به درج آن در اسناد مختلف جهانی و منطقه‌ای همت گمارده و کشورهای مختلف را به رعایت آن دعوت نموده است.

در ایران نیز، این اصل با قرار گرفتن در قانون اساسی کشورمان از جایگاه ممتاز و ویژه‌ای برخوردار شده، و لزوم رعایت آن بر قانونگذار نیز فرض گردیده است. با این حال، جای تأسف دارد که قانونگذار ایرانی، بدون توجه به حکم قانون اساسی و مفاد اسناد بین‌المللی، با ممنوع ساختن انتشار جریان محاکمات در روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌های گروهی قبل از قطعی شدن رأی، محدودیتی ناروا بر اصل علنی بودن دادرسی وارد نموده و مردم را از دنبال نمودن مذاکرات جلسه رسیدگی از طریق رسانه‌ها محروم ساخته است.

علنی بودن دادرسی اصلی کلی و مطلق نیست و در چند مورد استثنائی به حکم قانون، رسیدگی غیرعلنی خواهد بود. اسناد بین‌المللی موجود در این زمینه نیز اجازه برگزاری غیرعلنی جلسه رسیدگی را در چند مورد صادر نموده‌اند اما این اسناد، غیرعلنی بودن را امری استثنائی و تنها ناظر بر جریان رسیدگی دانسته، بر علنی بودن

صدور و اعلام رأی تأکید ورزیده‌اند. متأسفانه این نکته نیز از نظر قانونگذار ایرانی مغفول مانده است و از تصریح به علنی بودن رأی دادگاه خودداری نموده به گونه‌ای که باب صدور مخفیانه آرای قضائی بازمانده است، امری که برخلاف فلسفه و روح اصل علنی بودن دادرسی به شمار می‌رود.

سرانجام جای تأسف دارد که قضات دادگاه‌ها در تشخیص لزوم برگزاری غیرعلنی جلسات رسیدگی آزاد گذارده شده و به صدور قرار قابل کنترل توسط مرجع بالاتر برای رسیدگی غیرعلنی ملزم نگردیده‌اند. در این حال، دادگاه می‌تواند به هر بهانه‌ای و با توجیه تحقق یکی از استثنائات علنی بودن دادرسی، جلسه رسیدگی را از حضور مردم خالی ساخته، به دور از چشم تیزبین وجدان عمومی به اتخاذ تصمیم بپردازد، بدون اینکه مجبور باشد نقض یکی از اصول مسلم دادرسی در حقوق داخلی و بین‌المللی را توجیه نماید.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. III, NO. 1

2004-1

Articles

- Integration of Islamic Countries and Specially Iran into International Legal-Economic System and its Challenges
- Public Hearing in the Light of International Instruments and National Law
- Judicial Interpretation of the Iranian Constitution and the Practice of the Administrative Court of Justice
- International Court of Justice and Advisory Opinion on Legal Consequences Arising from Construction of the Wall by Israel in the Occupied Palestinian Territory
- The New Resolution of the IAEA Board of Governors on Iran, An Assessment of the Respect for International Law
- Concept, Legal Nature and Formalities of Buy Back Investment Contracts
- The Protection of Patents in the World Trade Organization
- Methods of Restitution of Contractual Obligation Breach in the International Sales of Goods Convention
- The Prosecution of Senior State Officials in National Tribunals for International Crimes (Some Comments on the Congo v. Belgium Case)

Special Issue : Insufficiencies of the Law of Companies in Iran

- Legal Aspects of Capital in Joint-Stock Companies (Round-table)
- The Necessity of Amendment of Iranian Commercial Code Concerning Minimum Capital of Joint-Stock Companies
- The Rights of Minority Shareholders in Merger or Consolidation of Corporations
- Control of the Activities of Directors by Governmental Agencies in English and Iranian Legal Systems
- Legal Formalities for Transfer of Shares in Joint-Stock Companies

Critique and Presentation

- Reflections on UN Security Council Resolution 1559 on Lebanese Sovereignty and Withdrawal of Foreign Forces



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study